

تقرير مقررین سامانه فقاہت از درس خارج فقه استاد سيد كاظم مصطفى؛
1399/04/25



موضوع: كتاب الطهارة/أحكام الأموات /فصل [في استحباب عيادة المريض وآدابها] و فصل في ما يتعلق بالمحتضر مما هو وظيفة الغير

فصل [في استحباب عيادة المريض وآدابها]

عيادة المريض من المستحبات المؤكدة ، وفي بعض الأخبار : إن عيادته عيادة الله تعالى ، فإنه حاضر عند المريض المؤمن ، ولا تتأكد في وجع العين والضرس والدمل ، وكذا من اشتد مرضه أو طال ، ولا فرق بين أن تكون في الليل أو في النهار بل يستحب في الصباح والمساء ، ولا يشترط فيها الجلوس بل ولا السؤال عن حاله.^[1] سيد طباطبائي يزدی قدس الله نفسه الزكية می فرماید عیادت مریض از مستحبات مؤکدة هست. اول اینکه بدانیم مستحبات دو قسم است و موكد و غير موكدہ اش را بفهمیم. گفته بودیم قبلاً. برای شما که مستحبات یا به عنوان مستحب شرعی است که نصی دارد، دلیلی دارد و یا اینکه مستحب ملائک استحباب را دارد یعنی رجحان. پس مستحب دو قسم است یا به عنوان مستحب شرعی یا به عنوان رجحان.

اما مستحب مؤکد

مستحب موكد که در برابر مستحب غير مؤكد قرار می گیرد عبارت است از اینکه این أمر استحبابی من حیث الإعتبار سندی داشته باشد و پس از اینکه سندی داشته باشد فضیلت و آثار آن هم در حد قابل توجهی ذکر شده باشد. و کسی یا رأی مخالفی بر عدم استحباب

وجود داشته باشد. و أما مِن حیث العمل مستحب مؤکد این است که مکلف در صورتی که به عسر و حرج برنخورد باید این عمل مستحب را انجام بدهد. مثال بارز که الحمدلله اهل علم همه ملتزم اند و به پا منبری ها یا به شاگرد هاتان بگویید. مثال بارز همین اذان و إقامة هست در نماز که مستحب مؤکد هست. ترک آن در صورتی که عسر و حرج نداشته باشد نباید صورت بگیرد و إستحبابش در حدی است که اگر کسی إقامة را فراموش کند و مشغول نماز بشود می تواند نماز را قطع بکند و بیاید از نو إقامة بگوید و نماز بخواند. یک مسئله فقهی بگویم. در مساجد اذانی که از بیرون شنیده میشود امام جماعت اگر در مسجد کسی مؤذن نداشته باشد به آن اذان بیرون اکتفا نمی شود چون اذان اعلامی غیر از اذان نماز هست. اگر در مسجد مؤذن نداشتید خودتان باید اذان را بگویید. این مسئله مربوط به مستحب مؤکد. بله ترک مستحب مؤکد در حقیقت از دست دادن یک فضیلت است. فوت فضیلت. گفته می شود از دست دادن ثواب و فضیلت برای یک مومن در حکم گناه است نه گناه شرعی. یعنی از دست دادن آن فضیلت و ثواب عظیم. این مستحب مؤکد در عمل از آداب متدینین هست و این آداب چیزی است شبیه سیره. سیره متدینین مستقر هست بر عدم ترک مستحب مؤکد.

نکته بعدی: مستحباتی که براساس قاعده تسامح اعلام میشود. إجمال قاعده تسامح این است که فقهاء قریب به اتفاق، شهرت عظیمه. شهرت عظیمه چه بود؟ شهرتی که بین قداماء و متأخرین باشد. شهرت عظیمه براین است که تسامح. أما غیر مؤکد مستحباتی است که یا براساس رجحان عمل یا براساس قاعده تسامح بدست می آید. قاعده تسامح چه بود؟ گفتم که این قاعده مشهور است به شهرت عظیمه و شهرت عظیمه یعنی شهرت قدامائی و متأخرین. قریب به اجماع که نصوصی که درباره حکم استحبابی آمده باشد هرچند آن نصوص از لحاظ سندی اعتبار کامل نداشته باشد باز هم می تواند مدرکی باشد برای استحباب که مرحوم میرفتاح قدس الله نفسه الزکیه در قاعده تسامح می فرماید: اکثر مستحبات نص معتبر مِن حیث السند نداشته باشند اگر قائل به قاعده تسامح نشویم اکثر مستحبات را باید کنار بگذاریم که کسی ملتزم به این لازم نمیشود. بحث قاعده تسامح بماند. [2] ممکن است شما بگویید که سیدناالاستاد درباره اعتبار قاعده تسامح اشکال دارد. اشکال ایشان عیبی ندارد. اولاً اینکه اشکال ایشان اصولی است و اگر در فقه بیابید ببینید که خود ایشان به این مستحبات پایبند هستند. ثانیاً در صورتی که اشکال هم می کنند در نهایت بحث دقیق از قاعده تسامح میفرماید که قاعده تسامح هر چند اعتبار ندارد به این مضمون اما بعضی از مواردی که ثابت شده است از باب تفضّل هست. تفضّل من الله. عیبی ندارد. ما براساس قاعده خذالغایات و اترك المبادی می گوییم مستحب است که از باب تفضّل است یا از باب تسامح.

اولین مستحب عیادت مریض هست که گفته می شود عیادت مریض عیادت الله است. منظور از عیادت یعنی سری زدن و از او احوال پرسی کردن و حاضر شدن پیش مریض. به این معنا گفته می شود که عیادت مریض عیادت الله است. چرا؟ فانه حاضر عند المریض المؤمن. خدای متعال پیش مریض مومن حضور دارد. طبیعتاً هم همین هست. قاعدتاً هم همین هست. مریض قلب شکسته ای دارد. حدیث معروفی هست: لِقَوْلِهِ تَعَالَى أَنَا عِنْدَ

الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ. [3] در اين رابطه هم نص خاصى آمده است كه عيادت مريض عيادت الله است. متن روايت: محمد بن الحسن في (المجالس والاخبار) عن جماعة، عن أبي المفضل، عن أحمد بن محمد بن الحسين العلوي عن جده الحسين بن إسحاق، عن أبيه إسحاق بن جعفر: عن أخيه موسى بن جعفر، عن آبائه عليهم السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله قال: يعير الله عز وجل عبدا من عباده يوم القيامة فيقول: عبدي! ما منعك إذا مرضت أن تعودني؟ فيقول: سبحانك سبحانك أنت رب العباد، لا تمرض ولا تألم، فيقول: مرض أخوك المؤمن فلم تعده، وعزتي وجلالي ولو عدته لوجدتني عنده ثم لتكفلت بحوائجك فقضيتها لك، وذلك من كرامة عبدي المؤمن وأنا الرحمان الرحيم. [4]

و بعد سيد مى فرمايد : ولا تتأكد في وَجَع العين والضيرس والدُمَل ، وكذا من اشتد مرضه أو طال. اين دفع دخل مقدري است. گويا برخی از عوام بر اين باشند كه اگر كسى چشم درد باشد يا دُمَلی داشته باشد عيادت او مستحب موكد باشد. مى فرمايد چنين چيزی در فقه نيست كه بيمارى چشم درد يا كسى كه دُمَل دارد سرى زدن از او يا عيادت از او مستحب موكد باشد. . وكذا من اشتد مرضه أو طال. اين هم كه مرض طولانى دارد يا مريضى شديد دارد باز هم عيادتش تأكدي ندارد. مثل ساير بيماران هست. بعد ميفرمايد: ولا فرق بين أن تكون في الليل أو في النهار بل يستحب في الصباح والمساء ، ولا يشترط فيها الجلوس. عيادت مشروط به جلوس نيست كه برود و پيش مريض بشيند. ولا يشترط فيها الجلوس بل ولا السؤال عن حاله. بلكه سوال و پرسيدن از حال مريض هم جزء شرط نيست البته جزء خصوصيات عيادت هست اما شرط نيست.

آداب عيادت مريض

ولها آداب : احدها : أن يجلس عنده ولكن يطيل الجلوس ، إلا إذا كان المريض طالباً. الثاني : أن يضع العائد إحدى يديه على الأخرى أو على جبهته حال الجلوس عند المريض. الثالث : أن يضع يده على ذراع المريض عند الدعاء له أو مطلقاً. الرابع : أن يدعو له بالشفاء ، والأولى أن يقول : « اللهم اشفه بشفائك ، وداوه بدوائك ، وعافه من بلائك ». الخامس : أن يستصحب هدية له من فاكهة أو نحوها مما يفرحه ويريجه . السادس : أن يقرأ عليه فاتحة الكتاب سبعين أو أربعين مرة أو سبع مرات أو مرة واحدة ، فعن أبي عبد الله عليه السلام : « لو قرأت الحمد على ميت سبعين مرة ثم ردت فيه الروح ما كان ذلك عجباً » وفي الحديث : « ما قرئ الحمد على وجع سبعين مرة إلا سكن بإذن الله ، وإن شئت فجزبوا ولا تشكوا » وقال الصادق عليه السلام : « من نالته علة فليقرأ في جيبه الحمد سبع مرات » وينبغي أن ينفذ لباسه بعد قراءة الحمد عليه. السابع : أن لا يأكل عنده ما يضره ويشتهيه.

الثامن : أن لا يأكل يفعل عنده ما يغيظه أو يضيق خُلقه. التاسع : أن يلتمس منه الدعاء ، فإنه ممن يستجاب دعاؤه فعن الصادق صلوات الله عليه : « ثلاثة يستجاب دعاؤهم الحاج والغازي والمريض ». [5]

آدابی دارد مى فرمايد احدها : أن يجلس عنده ولكن يطيل الجلوس ، إلا إذا كان المريض طالباً. بشيند پيش مريض و اينكه نشستن و جلوس را طولانى نكند مگر اينكه خود مريض

خواستار نشستن طولانی باشد. الثاني : أن يضع العائد إحدى يديه على الأخرى أو على جبهته حال الجلوس عند المريض. یک دستش را روی دست دیگرش بگذارد. این کسی که عیادت می کند یا بر پیشانی خودش بگذارد در موقع جلوس پیش مریض. همه اینها از نصوص استفاده می شود. الثالث : أن يضع يده على ذراع المريض عند الدعاء له أو مطلقاً. موقعی که برای مریض دعا می کند دست خودش را در ضراء مریض قرار بدهد یا مطلقاً وقت دعا باشد. یا نباشد. الرابع : أن يدعو له بالشفاء ، والأولى أن يقول : « اللهم اشفه بشفائك ، ودأوه بدوائك ، وعافه من بلائك ». دعا کند برای مریض به شفاء. خدا شفاء بدهد. والأولى أن يقول گویا برای مریض بهترین دعا این است که بگوید: « اللهم اشفه بشفائك ، ودأوه بدوائك ، وعافه من بلائك » مدرک این حدیث کتاب وسائل. متن حدیث: وعنه عن أبيه عن ابن أبي عمير عن الحسين بن نعيم عن أبي عبد الله عليه السلام قال اشتكى بعض ولده فقال يا بني قل اللهم اشفني بشفائك ودأوني بدوائك وعافني من بلائك فإني عبدك وابن عبدك أقول وتقدم ما يدل على ذلك ويأتي ما يدل عليه. [6] الخامس : أن يستحب هدية له من فاكهة أو نحوها مما يفرحه ويریحه. أدب پنجم از آداب مریض این است که همراه خودش، معنای لغوی است استظهار است. با خودش همراه داشته باشد هدیه ای را برای مریض. ترجمه می کند سید. لطف دارد و برای ما مقلدان شرح می دهد. هدیه ببرد برای مریض میوه ای و خوراکی ای. چیزهایی که آن مریض را فرح ببخشد و راحتی برایش باشد. السادس : أن يقرأ عليه فاتحة الكتاب سبعين أو أربعين مرة أو سبع مرات أو مرة واحدة ، فعن أبي عبد الله عليه السلام : « لو قرأت الحمد على ميت سبعين مرة ثم ردت فيه الروح ما كان ذلك عجباً » متن روایت: محمد بن یعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال لو قرأت الحمد على ميت سبعين مرة ثم ردت فيه الروح ما كان ذلك عجباً. [7] وفي الحديث : « ما قرئ الحمد على وجع سبعين مرة إلا سكن بإذن الله ، وإن شئت فجزبوا ولا تشكوا » متن روایت: وعن الخضر بن محمد عن محمد بن العباس عن النوفلي عبد الله بن الفضل عن أحدهم عليهم السلام قال ما قرأت الحمد على وجع سبعين مرة إلا سكن بإذن الله وإن شئت فجزبوا ولا تشكوا. [8] وقال الصادق عليه السلام : « من نالته علة فليقرأ في جيبه الحمد سبع مرات » وينبغي أن ينفض لباسه بعد قراءة الحمد عليه. شک نکنید و تجربه کنید ببینید. شاید شما هم تجربه کرده باشید. من خودم یک مورد تجربه را بگویم. یک طفل یک پسر بچه کوچکی بود شاید 9 یا 10 ساله بود. به ایشان متاسفانه فلج اطفال عارض شد. بیمارستان بردند أطباء گفتند فلج اطفال معالجه ندارد. این را شنیده باشید که بعضی هاش علاج می شود چه جوری است؟ برخی هاشون زنده می ماند منتهی در همان حال نیمه جان. علیل و مریض و نمی تواند خودش را حرکت بدهند. خود بنده حقیر آن موقع طلبه ای بودم که حمد را خواندم به لطف خدای متعال شفای کامل بدست آورد. الان خودش یک کسی است. یک چهره قدری هست. قم هم هست. بنابراین تجربوا و لاتشکوا. تجربه کنید و شک هم نکنید.

سوال: آیا شرائط دارد؟

جواب: 1- قدر متیقن اینکه وضو داشته باشد 2- 70 تا را کامل یک جلسه بخواند 3- وسطش قطع و وصل نکند. 4- خواند از کنارش برود. می فرماید که وقال الصادق عليه السلام : « من

نالتة علة فليقرأ في جيبه الحمد سبع مرات « وينبغي أن ينفذ لباسه بعد قراءة الحمد عليه و قال الصادق عليه السلام : و سزاوار است كه لباسش را بتكاند. فنز يعنى تكان دادن. لباس . لباسش را . متن روايت: الحسن بن محمد الطوسي في (الأمالى) عن أبيه عن أبي محمد الفحام عن المنصوري عن عم أبيه عن الإمام علي بن محمد عن آبائه عليهم السلام قال الصادق (عليه السلام) من نالتة علة فليقرأ في جيبه الحمد سبع مرات فان ذهب العلة وإلا فليقرأها سبعين مرة وأنا الضامن له العافية. [9] السابع : أن لا يأكل عنده ما يضره ويشتهيه. اين معلوم است. الثامن : أن لا يأكل يفعل عنده ما يغيظه أو يضيق خلقه. يعنى در حضور بیمار، چیزی كه بیمار خوشش نیاید یا خلقش را تنگ بكند در روبروى بیمار انجام ندهد. التاسع : أن يلتمس منه الدعاء ، فإنه ممن يستجاب دعاؤه فعن الصادق صلوات الله عليه : « ثلاثة يستجاب دعاؤهم الحاج والغازي والمريض » از خود مريض دعا بخواهد. يکی از دعاهايی كه از مريض بخواهيد بگوئيد حوائج من. و همچنین سلامتى خود آن مريض را بخوانيد. فعن الصادق صلوات الله عليه : « ثلاثة يستجاب دعاؤهم الحاج والغازي والمريض » کسی از جهاد و غزوة برمی گردد. و المريض. کسی كه بیمار است. متن روايت: محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن محمد، عن عبد الرحمان بن محمد، عن سيف بن عميرة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام، إذا دخل أحدكم على أخيه عائدا له فليساله يدعو له فإن دعائه مثل دعاء الملائكة. [10] اين روايات و نصوص بود تا اینجا خوانديم

فصل في ما يتعلق بالمحتضر مما هو وظيفة الغير

وهي أمور : الأول : توجيهه إلى القبلة بوضعه على وجه لو جلس كان وجهه إلى القبلة ، ووجوبه لا يخلو عن قوة بل لا يبعد وجوبه على المحتضر نفسه أيضاً ، وإن لم يمكن بالكيفية المذكورة فبالممكن منها وإلا فبتوجيهه جالسا ، أو مضطجعا على الأيمن أو على الأيسر مع تعذر الجلوس ، ولا فرق بين الرجل والإمرأة ، والصغير والكبير ، بشرط أن يكون مسلما ، ويجب أن يكون ذلك بإذن وليه مع الإمكان ، وإلا فالأحوط الاستئذان من الحاكم الشرعي ، والأحوط مراعاة الاستقبال بالكيفية المذكورة في جميع الحالات إلى ما بعد الفراغ من الغسل ، وبعده فالأولى وضعه بنحو ما يوضع حين الصلاة عليه إلى حال الدفن بجعل رأسه إلى المغرب ورجله إلى المشرق. [11]

يك نصيحت و صحبت با شما می خواهم داشته باشم. صحبتی از سمت پدر پير و از کار افتاده با شما عزيزان خودم. اینجا صحبت از مستحبات به میان آمده است. اولاً اين مستحبات مطلوبات شرعى هست. از سوى شرع اين اعمال خواسته شده است. و ثانياً از سنت حسنة قدمای أصحاب هست. شايد گفته باشم برخی از فقهای واصل مستحب و مکروه را عملاً مثل واجب و حرام قرار می دادند. يعنى لايتربك مستحب و يتربك مکروه. و ثالثاً از اين مطلب بدانيم نورانيت باطن. به طور کامل نورانيت و معنويت بدون عمل به مستحباب نمی شود. واجبات و مستحبات در مثال، مثل يك عمارتی است. مستحبات آن جلاء و آن زرق و برقى است كه به اين عمارت می دهد. گفته می شود كه نورانيت برگرفته از عمل به مستحبات و مكروهات هست. عمل به واجبات و محرمات آدم را بیمه می كند. چه

طوری بیمه می کند؟ در قرآن آمده است ﴿وَمِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (وَمِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا) [12] دقیقاً پسر و راحتی زندگی ارتباط با تقوا دارد. وانگهی این تقوای الهی از شکل کامل و نورانی اش واجبات و محرمات که به هیچ وجه ترک نشود. و مستحبات و مکروهات هم تا حدی که به عسرو حرج نرسیده باید انجام بگیرد. عزیزان بدانید بدون رعایت مستحبات و مکروهات گفته می شود که آن چشم با اثری و آن باطن نورانی بدون رعایت مکروهات و مستحبات کار شکلی هست. در زمان سید عرفا مرحوم آقا علی قاضی که قدوة العرفاء در تاریخ اخیر هست. در زمان حیات ایشان که زمان حیات سید ابوالحسن اصفهانی که علی آقا قاضی استاد استادنا العلامة شیخ صدرا باکویی هست. در آن علامه طباطبایی آمد نجف. علامه طباطبایی پسر عموی علی اقا قاضی بود. گفته میشود شبی که علامه طباطبایی در منزل آقا علی قاضی شرفیاب بود نکته ای که ایشان فرمود توصیه اش این بود که أم أغلو. بدانید پسر عمو بدون نماز شب کسی به جایی نمی رسد. حرکت معنوی یک مومن نماز شبش است. بدون نماز شب کسی به جایی نمی رسد. شما ها که جوان هستید. می گویند می خوابم و سحر قصد دارم که بیدار شوم ولی نمی توانم. اینها باید یک برنامه بگیرند. برنامه این است که اولاً سر شب ساعت 12 وقت نماز شب می شود و همانجا نماز شبش را بخواند و بخوابد. ثانیاً اگر نماز شبش قضا شد نماز شبش فضایی دارد. روایتی است به این مضمون که پروردگار عالمیان می فرماید که من مباحثات می کنم که بنده من قضای نماز شبش را می خواند. و ثالثاً ملتزم بشود حداقل هفته ای یک شب، شب جمعه یا شب دیگر به هر قیمتی که شده است نماز شب را باید بخواند. بدون نماز شب آن سنت حسنة انجام نمیگیرد. من در تاریخ اساتید خود من که کماوبیش دیده ام بعضی از اساتید من در مسافرت مکه بود. آن موقع که ما بودیم با ماشین مسافرت می شد. سحر که می شد. سحر در حال مسافرت ماشین را متوقف می کرد که نماز شبش را بخواند بعد حرکت می کرد. احتیاط می کرد. هر چند نماز شب را در حال حرکت هم می توان خواند. اما توقف می داد ماشین را. نکته ای که در آخر بگویم برایتان این است که اگر می خواهید برکت در زندگی باشد برکت در زندگی نماز شب هست. وسعت رزق در نماز شب هست. طول عمر در نماز شب هست. استجاب دعا هم بهترین جایز در نماز شب آدم هست. نماز شب هم عمده بدنه اش مربوط به استغفار و توبه می شود. 300 تا العفو و 70 تا استغفار. در تعقیب هم یکدانه ذکر توبه را ذکر نمایید. و آن ذکر این است که بعد از اتمام نماز شب بگویید اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجه. توبه معروف حضرت آدم. یا حمید بمحمد یا عالی بعلی یا فاطر بفاطمه یا محسن بالحسن یا قدیم الاحسان بالحسین صلواتک علیه و علیهم. ربّ الغفر لی و ارحم لی و تُبّ علیّ إِيَّاكَ التَّوَابُ الرحيم. دیگر شک نکنید که گفته می شود شک در قبولی توبه هم گناه حساب می شود. اینجا با امید کامل و شک در توبه هم صورت نگیرد انشالله خداوند برای همه شما عزیزان توفیق عنایت کند. دو جمله دعا کنم که انشالله دعا در ختم درس فقه قبول شود. الهی برحمتک التی وسعت کل شیء. و بفضلک العظیم و من ال یا کریم. به و بمحمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین صلواتک علیه و علیهم. اللهم الغفر ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار. اللهم وفقنا لما تحب و ترضی. اللهم الزرقنا ارتکی فی علم و العمل الصالح. اللهم اقض حوائجنا. واکف مهماتنا. اللهم افتح لنا بالخیر و اختم لنا بالخیر واجعل عواقب امورنا بالخیر. اللهم أصلح وانصر شیعة

اميرالمومنين. اللهم أرنا الطلعة الرشيدة و جعلنا من انصاره والمستشهادين بين يديه.
سلامتی آقا امام زمان صلوات ختم کنيد.

-
- [1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج1، ص281.
- [2] العناوين الفقهية، الحسيني، السيد مير عبد الفتاح، ج1، ص419 و 420 و 421
- [3] منية المريد، الشهيد الثاني، ج1، ص123.
- [4] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص635، أبواب الاحتضار وما يناسبه.
استحباب عيادة المريض المسلم وكراهة ترك عيادته، باب10، ح10، ط الإسلامية.
- [5] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج1، ص281.
- [6] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج4، ص1099، أبواب الدعاء . باب استحباب الدعاء عند نزول المرض والسقم، باب11، ح2، ط الإسلامية.
- [7] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج4، ص873، أبواب قراءة القرآن ولو في غير الصلاة . استحباب تكرار الحمد وقراءتها سبعين مرة على الوجع، باب37، ح1، ط الإسلامية.
- [8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج4، ص874، أبواب قراءة القرآن ولو في غير الصلاة . استحباب تكرار الحمد وقراءتها سبعين مرة على الوجع، باب37، ح6، ط الإسلامية.
- [9] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج4، ص874، أبواب قراءة القرآن ولو في غير الصلاة . استحباب تكرار الحمد وقراءتها سبعين مرة على الوجع، باب37، ح7، ط الإسلامية.
- [10] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص637، أبواب الاحتضار وما يناسبه. باب استحباب التماس العائد دعاء المريض وتوقى دعائه عليه بترك غيظه واضجاره، باب12، ح1، ط الإسلامية.
- [11] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج1، ص282.
- [12] طلاق/سوره65، آيه2 و 4.